

شکست به قیمت تبعید در معدن زغال سنگ



کره شمالی همیشه برای ما پر بوده از حاشیه‌های عجیب و غریبی که این سرزمین کوچک در شرق آسیا را برایمان به مرموزترین کشور روی زمین تبدیل کرده است. کشوری با ساز و کارهای کمونیستی که عادی ترین قوانین آن شاید از نظر سایر کشورها عجیب‌ترین باشد. مردمی که نه حق استفاده از اینترنت را دارند و نه می‌توانند چیزی که شاید کره شمالی را به این گزارش و فوتبال مرتبط می‌کند، سابقه حضور این تیم در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی است. سالی که تیم ملی این کشور بعد از ۴۴ سال توانست به رقابتهای جام جهانی راه پیدا کند. حضوری که در زمان خودش به خاطر شرایط خاص کره شمالی توجه همه رسانه‌های دنیا را به سمت خود جلب کرد و حاشیه‌های زیادی را با خود به همراه داشت تا جایی که اعلام شد این کشور برای جلوگیری از عدم پناهندگی بازیکنانش تدابیر شدید امنیتی را در نظر گرفته است. این گمانه زنی در دوره‌ای به قدری شدت گرفت که حتی بعضی از احتمال به گروگان گرفته شدن خانواده فوتبالیستهای کره‌ای حرف می‌زدند؛ بخش جالب توجه در این قصه جایی بود که انگار "کیم جونگ ایل"، رهبر کره شمالی در اقدامی بی‌سابقه تصمیم گرفت که مسابقه فوتبال کره شمالی و پرتغال به‌طور زنده در این کشور پوشش داده شود؛ اما بعد از اتمام این بازی و شکست این تیم بعضی از منابع خبری و روزنامه‌های خارجی از احتمال فرستادن اعضای تیم فوتبال کره شمالی به معادن زغال سنگ به عنوان نوعی تنبیه برای باخت سنگین در مقابل تیم ملی فوتبال پرتغال خبر دادند. علاوه بر این موضوع جنجال‌های این تیم پر رمز و راز فقط به جام جهانی ۲۰۱۰ ختم نشد و حتی به دوره بعدی یعنی سال ۲۰۱۴ هم کشید شد. در اواسط جام جهانی برزیل بود که بخش یک خبر در رسانه‌های داخلی کره شمالی خبر ساز شد، چون تلویزیون این کشور اعلام کرده بود تیم کشورشان پس از عملکرد درخشان در این رقابتها به فینال جام جهانی ۲۰۱۴ صعود کرده است. این در حالی بود که این تیم اصلاً در آن سال به مسابقات جام جهانی راه نیافته بود!

ماجرای آدمهایی که زندگیشان را پای فوتبال گذاشتند؛

توپ بازی با مرگ!

شاید بشود آدمهای روی کره زمین را به دودسته فوتبالی و غیر فوتبالی تقسیم کرد. غیر فوتبالی‌هایی که شاید هیچ وقت از لذت هیجان این مستطیل سبز و افراد پا به توپش سهمی نبرند و دوستش نداشته‌اند تا فوتبالی‌هایی که این بازی برایشان چیزی فراتر از یک زمین مسابقه است. تاجایی که از یک جایی به بعد چسبیدن یک توپ به تور یک دروازه می‌شود خود زندگی و باخت آن می‌شود خود مرگ. برای همین هم خیلی‌ها جادوی فوتبال را در غیر قابل پیش بینی بودن آن می‌دانند. اتفاقات سرزده‌ای که رخ دادن نابهنگام هر کدامشان برای یک جمع یا یک ملت حکم پیروزی یا شکست در یک نبرد را دارد. به دنبال همین موضوع فوتبال در بیشتر مواقع پر بوده از حاشیه‌هایی که سنگین تر از متن بوده‌اند. حواشی به ظاهر کوچکی که گاهی تبعات بزرگ و سهمگینی با خود به همراه داشته‌اند. تبعات خطرناکی که در بعضی از موارد حتی به قیمت از دست دادن جان آدمها در بیرون و درون زمین فوتبال تمام شده‌اند.

سقوط دسته جمعی هواپیمای تیم منچستر یونایتد

تلفات و خطرات فوتبال صرفاً به زمین چمن و مسابقه ختم نمی‌شود. تاریخ این بازی پر است از اتفاقات تلخ، شیرین و تراژدی‌هایی که با وجود گذشت سالهای متمادی همچنان به یاد طرفدارانش می‌ماند. یکی از این ماجراهای تلخ به سقوط دو هواپیمای حامل بازیکنان برمی‌گردد. اولین مورد به سالهای ۱۹۵۸ برمی‌گردد، وقتی که هواپیمای حامل بازیکنان تیم منچستر یونایتد در مونیخ سقوط کرد. از ۴۳ مسافر این پرواز، ۲۳ نفر جان خودشان را از دست دادند که هفت نفر از آنها از اعضای این تیم فوتبال بودند. تیمی که عازم جام باشگاههای اروپا بود و یکی از شانسهای اصلی قهرمانی محسوب می‌شد. از طرف دیگر در سال ۲۰۱۶ هم بر اثر سقوط هواپیمای حامل فوتبالیستهای یک باشگاه برزیلی در کلمبیا، ۷۶ نفر کشته شدند.



قلبایی که روی چمن از حرکت بازمی‌ایستد



بسیاری از تماشاچیان فوتبال احتمالاً رقابتهای جام کنفدراسیونهای ۲۰۰۳ را با نحوه مرگ بهت آور بازیکن تیم ملی کامرون به یاد می‌آورند. "مارک ویوین فوئه" که در آن سالها هافبک تیم منچستر سیتی هم بود. وقتی این ورزشکار در بازی ملی‌اش مقابل کلمبیا دچار سکته قلبی شد و همان جا روی زمین چمن فوتبال، در مقابل چشمان تماشاگران و بازیکنان هر دو تیم جان خودش را از دست داد. بعدها تیم منچستر سیتی به احترام این بازیکن پیراهن شماره ۱۷ و ۲۳ را که به نام او بود برای همیشه بازنشسته کرد. ناگفته نماند، رخ دادن اتفاقات تلخی از این قبیل آن هم هنگام مسابقه در تاریخ فوتبال فقط به همین نمونه ختم نمی‌شود و در این باره می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد؛ ولی قطعاً مرگ این بازیکن کامرونی را می‌توان یکی از پررنگترین نمونه‌های این مورد دانست.

فوتبالیستی که برای باختش او را کشتند

کلمبیا هم یکی دیگر از این کشورهای عجیب است. جایی که مردم دنیا آن را به خاطر شورهای جهانی، مافیای مواد مخدر و درگیری‌های مسلحانه‌اش می‌شناسند. جایی که انگار فوتبال بازی کردن می‌تواند در آن به قیمت جان فوتبالیستها تمام شود. کسانی که مخاطب جدی و پیگیر این مستطیل سبز



خداوند نیکی به خویشاوندان راه‌په‌رشد انسانها قرار داد

حضر ت فاطمه (س)

باشند. احتمالاً در تاریخ فوتبال دنیا نام "آندرس اسکوبار" را شنیده‌اند. یک بازیکن کلمبیایی که در جام جهانی ۱۹۹۴ به خاطر اشتباه در یک مسابقه به جای هدف گرفتن دروازه حریف این بار دروازه تیم خودش را باز کرد. یک اشتباه که شاید خودش هم گمان نمی‌کرد که انجام دادن آن به قیمت جاننش تمام شود. تا جایی که این بازیکن بعد از گذشت تقریباً دو هفته به کشورش و باخت مقابل تیم آمریکا به ضرب گلوله کشته شد و جنازه او پس از مدتی در یک رستوران پیدا شد. متهمان این قتل قاچاقچینی بودند که به خاطر شرط بندی برای برد کلمبیا مقابل آمریکا پول قابل توجهی را از دست دادند.